

# درباره ترتیب و نظم اسم ماههای سال در فرهنگ ایرانی

همایون صنعتی (کرمان)

۱۵۲

برگزارشگر ایراد می‌گیرند که پیشگفتاری که بر کتاب علم در ایران و شرق باستان<sup>۱</sup> نوشته شده پیچیده و غامض است. درک و هضم مطالب آن آسان نیست. آنچه خواهد آمد برای رفع این ایراد است.

جان کلام آن پیشگفتار سه نکته است:

- ۱- ترتیب و نظم اسامی ماههای سال هجری شمسی که امروزه در زبان و فرهنگ ایران رایج است. از هزاره اول پیش از میلاد مسیح و احتمالاً از روزگار هخامنشیان بجا مانده است.
- ۲- این دوازده اسم ماه که هر یک معادل عددی هم داشته و دارد از میان سی اسم روزهای ماه قمری زرتشتی انتخاب شده است.
- ۳- ظاهراً این انتخاب دلخواهی و اتفاقی نبوده است. دلیل عمده صدق این ادعا این است که اگر بجای اسامی دوازدهگانه ماههای سال شمسی هجری معادل عددی آنها گذاشته شود روابط عددی پیدا می‌شود «که آن روابط در نوشته زیر به تصویر در آمده‌اند. این تصویرها از چنان نظم و تقارن و زیبایی برخوردارند که بعید بنظر می‌آید انتخاب اسامی دوازدهگانه ماهها دلخواهی و تصادفی باشد.

اینکه معنا و رمز این نظم و ترتیب چیست برگزارشگر کاملاً پوشیده است.

و اینجا پارویی از ماه پارسى نیشتم تا مثال باشد بدانستن تقویم<sup>۱</sup>.

روز	استقبال رمضان روز آدینه از روز گذشته ساعات ح و طالع دلود و اجتماع در میزان							نام روزگار پارسیان	عدد روزگارها	از ماه تشرین اول	از ماه رمضان
	ابان ماه آغازش یکشنبه										
	ساعات روز	عطار	زهره	مشتری	زحل	مهر	شمس				
ار تفاعلهای روز	ط ف	نا ک	و ح لا	ه کو ب	ح ا م د	د کو ط	د ط و بی ب ل ب	و ر ن د	ا و ر ز د	ه	ک
جوزهر	ع -	س ا ی	و د ن	ه ک ر ن و	ح - ب	د ک ن د	ب ب ل ل ا د	د ک ب	ب ه م ن	ب	ک د
ک ب ط	ع ط	س ا ع	و ک ا	ه ل ط	ح - ب	د ک ن ط	ر ک و	ه ر ک د	و ی ن د	ح	ک ه
ک بو	ع و	س ا ن و	و ر ع ط	و ا ن د	ح - ب	د ک ن د	ح - ب	ه ک	ش ه ر ب	د	ک و
ک ب ج	ع و	س ا ن و	و ر ع ط	و ا ن د	ح - ب	د ک ن د	ح - ب	ه ک	ش ه ر ب	د	ک و
ک کی	ع و	س ا ن و	و ر ع ط	و ا ن د	ح - ب	د ک ن د	ح - ب	ه ک	ش ه ر ب	د	ک و
ک ک ز	ع و	س ا ن و	و ر ع ط	و ا ن د	ح - ب	د ک ن د	ح - ب	ه ک	ش ه ر ب	د	ک و
ک ک د	ع و	س ا ن و	و ر ع ط	و ا ن د	ح - ب	د ک ن د	ح - ب	ه ک	ش ه ر ب	د	ک و

• از صفحه ۲۷۸ کتاب «التفهیم لاوائل صناعة التفهیم صناعة التنجیم»، ابوریحان محمد بن احمد بیرونی

خوارزمی بتصحیح: جلال الدین همایی، چاپ چهارم، تیر ماه ۱۳۶۷، تهران، مؤسسه نشر هما.

گاهشماری یا شیوه سنجش زمان در فرهنگ امروزی ایران، از یک نظر، شباهت به زبان فارسی امروزی دارد. همانگونه که زبان فارسی امروزی جز در مورد پاره‌ای واژه‌ها که ریشه آنها را باید در فارسی باستان جست هیچگونه شباهتی با فارسی باستان ندارد گاهشماری شمسی هجری رایج در ایران امروز نیز، مگر درباره اسم ماهها، هیچ شباهتی با گاهشماری رایج در روزگار هخامنشیان ندارد. تنها وجه مشترک میان گاهشماری رایج در ایران امروزی با ایران دو هزار و ششصد سال پیش اسم و نظم و ترتیب و توالی ماهها در سال شمسی هجری است. به عبارت دیگر: رسم و نظم اشنای فروردین، اردیبهشت،

خرداد، تیر، مرداد، شهریور، مهر، آبان، آذر، دی، بهمن، اسفند.\*

در گاهشماری روزگار باستان هر یک از روزهای ماه به یکی از ایزدان زرتشتی تعلق داشت و آن روز را معمولاً با اسم آن ایزد می‌شناختند. مثلاً اسم روز پنجم هر ماه ایرانی اسفند روز بود. اگر می‌خواستند بگویند روز پنجم ماه شهریور می‌گفتند «اسفندروز از ماه شهریور». یا برای ضبط و ثبت تاریخ روز شانزدهم از ماه یازدهم سال می‌گفتند «روز مهر از ماه بهمن» اما این بدان معنی نبود که از جمله «اسفندروز از ماه شهریور» معنای روز پنجم ماه ششم سال را استنباط نکنند. سند معتبر در دست داریم که مثلاً برای روز پنجم هر ماه هم اسم اسفند را به کار می‌بردند و هم عدد پنج را. از جمله اسناد گواه این مطلب، نمونه‌ایست که ابوریحان بیرونی در کتاب مشهور التفهیم فی صناعة التنجیم از گاهشماری قدیم ایران آورده است که تصویر آن در پایین آورده شده است. (شکل ۱) -

(شکل یک)

(تصویر ضمیمه) علاوه بر عدد روز هفته (که بعد از ظهور اسلام در ایران رایج شد) و ماه عربی و ماه سریانی آنجا که پای تقویم پارسی پیش می‌آید هم عدد روز و هم اسم روز را می‌آورد. (ستون ۴ جدول)

اسامی دوازده ماه سال ایرانی را از میان سی اسم روزهای ماه زرتشتی انتخاب کرده‌اند. در اینجا موقتاً به منظور جلوگیری از آشفتگی خاطر خواننده - از ذکر مسئله اسم سه روزی که تکراری بوده و به آنها کلمه دی افزوده می‌شود خودداری می‌شود. فقط تأکید می‌نماید باز هم سند مثبت داریم که ماه دهم هر سال اسم دیگری سوای دیماه داشته است، آن را «خور» ماه که

\* گزارشگر و امدار آقای مهندس محمدحسین اسلام‌پناه است که با دقت و علاقمندی شکل‌های این گزارش را رایانه‌ای و رسم کرد.

اسم روز یازدهم ماه است نیز می خوانده اند.\*

بیشتر کسانی که در زمینه گاهشماری ایران کار کرده و می کنند با این پرسش روبرو بوده اند که ملاک و معیار برای انتخاب دوازده اسم ماه از میان سی اسم روزهای ماه ۳۰ روزه زرتشتی چه بوده است؟ مثلاً سید حسن تقی زاده، که بی تردید درباره گاهشماری ایران باستان اطلاعات بسیار وسیع و گرانبها داشته است، در این باره می گوید:

«ترتیب قرار گرفتن امشاسپندان را در اسامی ماهها که تاکنون مایه حیرت محققان شده، به نظر من، می توان به طریق ذیل توضیح داد. پس از قرار دادن ماه مختص به آفریدگار در بالا (در آغاز سال)، آنگاه امشاسپندان بتوالی می آیند. اما این توالی به ترتیب معروف آنها نیست بلکه مطابق ترتیبی است که در آسمان در دو طرف عرش اورمزد بنا به سن و جنس خود نشسته اند و این ترتیب را کتاب بندهش بزرگ ذکر کرده است. فقط این ترتیب گاهی با در میان آمدن اسامی خدایان قدیم تر به هم می خورد. [۱؟]\*\*\* پس از بزرگ ترین خدا (دی = آفریدگار) نخست وهومنه (بهمن) از طرف راست؛ سپنت ارمینی (اسفند) از طرف چپ، سپس (پس از آنکه یک ماه غیر فرشته در میانه فاصله می شود و رشته را قطع می کند) اشوهیشت (اردیبهشت) از طرف راست و سپس دو فرشته توأم هورتات و امرتات (خرداد و مرداد) از طرف چپ (که باز بیگانه ای آن دو را از یکدیگر جدا می سازد) و پس از آخر همه خشترویری (شهریور) از طرف راست.\*\*\*»

درست است که این حدس تقی زاده، فقط مربوط به ماههایی است که اسامی امشاسپندان شش گانه را بر آنها گذاشته اند و اسم های شش ماه دیگر سال را توجیه نمی کند اما آشکار است این حدس بنیانی استوار و مستدل ندارد. چند ایراد بر آن وارد است:

نخست آنکه روز انقلاب زمستانی یا اول زمستان یعنی ماه دی را اول سال زرتشتی می داند

\* نک، ص پنج پیشگفتار کتاب علم در ایران و شرق باستان، نشر قطره، تهران ۱۳۸۴.

\*\* علامت استفهام و تعجب از گزارشگر است.

\*\*\* بیست مقاله تقی زاده ترجمه احمد آرام، صفحات ۷۴ - ۷۳، بنگاه ترجمه و نشر تهران، ۱۳۴۶.

و توجه ندارد که دیمه را ایرانیان باستان خورماه (اسم روز یازدهم ماه) نیز می نامیده اند. از این گذشته این تصور که اهورامزدا در عرش روی تختی جلوس کرده و شش امشاسپند، که مظاهر و جلوه های گوناگون خود اویند در طرفین او، آن هم با چند ایزد بیگانه و کم اهمیت تر از قبیل فروردین و تیر، صف کشیده باشند مغشوش و آشفته می نماید. دیگر محققین و ایرانشناسان نیز از جمله خانم پروفیسور بویس از چگونگی انتخاب اسم ماههای سال زرتشتی از میان اسامی سی روز ماه زرتشتی حدس هائی زده اند که هیچ کدام به نتیجه ملموس و محسوس نمی رسد.

حال اگر به جای اسم های ماههای زرتشتی که از میان سی اسم روز ماه زرتشتی انتخاب شده اند معادل عددی آن روز را بگذاریم (- با این شرط که ماه دی را با نام مرسوم تا دوزه بیرونی - خورماه = روز یازدهم ماه زرتشتی) بگذاریم آنگاه می توانیم دوازده ماه سال زرتشتی را به صورت رشته اعداد زیر بنویسیم.

۱۹ = فروردین ماه، ۳ = اردیبهشت ماه، ۶ = خرداد ماه، ۱۳ = تیر ماه، ۷ = امرداد ماه، ۴ = شهریور ماه، ۱۶ = مهر ماه، ۱۰ = آبان ماه، ۹ = آذر ماه، ۱۱ = خورماه (یا دیمه)، ۲ = بهمن ماه، ۵ = اسفند ماه. به عبارت دیگر سلسله اعداد

۱۹ ، ۳ ، ۶ ، ۱۳ ، ۷ ، ۴ ، ۱۶ ، ۱۰ ، ۹ ، ۱۱ ، ۲ ، ۵

می تواند جانشین دوازده ماه سال زرتشتی باشد. باز با این پرسش روبرو هستیم که آیا این دوازده عدد نمایانگر دوازده اسم روزهای ماه زرتشتی به گونه ای دلخواه - یا به قول عوام دیمی - دیمی انتخاب شده یا گزینش آنها با قصد و معین و با تعهد و دقت انجام گرفته است؟ نویسنده این گزارش به این نتیجه رسیده است که به احتمال قریب به یقین اعداد مزبور به گونه ای دلخواه و دیمی انتخاب نشده اند. دلیل او بر این احتمال، پاره ای از روابط مسلم میان آنان است که در شکل های زیر نمودار شده اند.

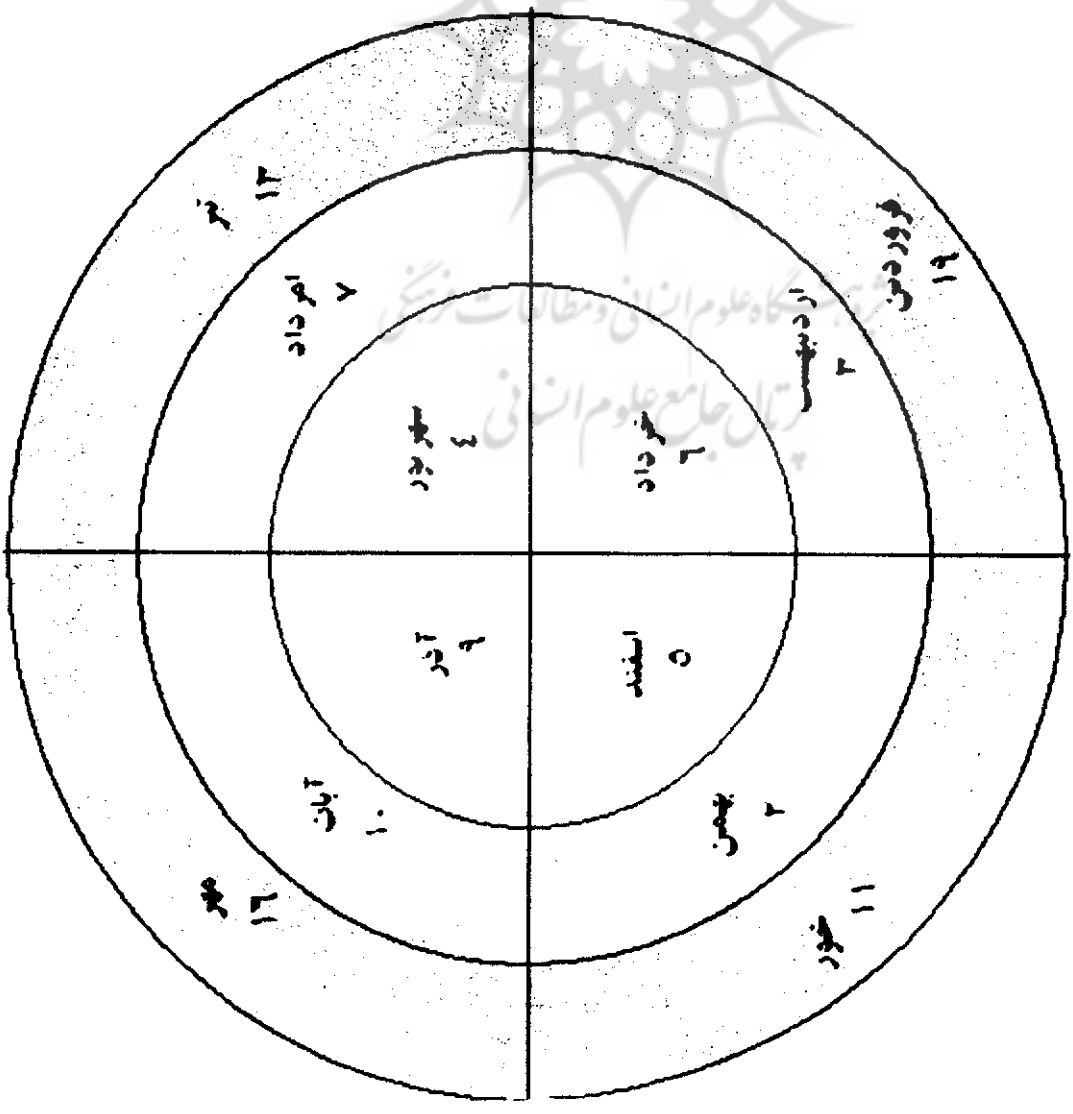
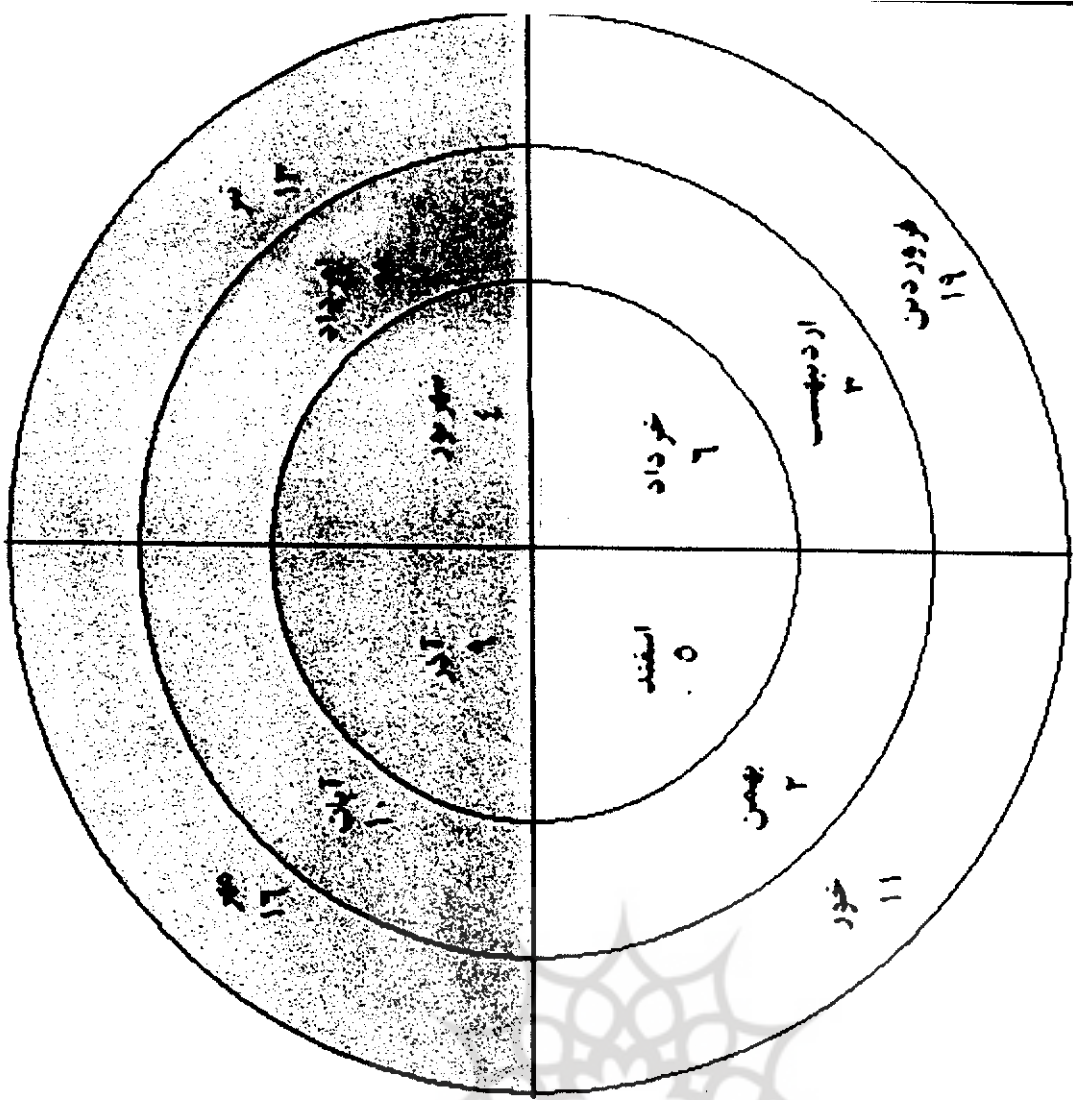
مثلاً اگر اعداد مزبور را در سه دایره متحدالمركز که هر یک بنا بر چهار فصل به چهار بخش تقسیم شده باشند جای دهیم بلافاصله روابط متقارنی را که در شکل های ۲ الف، ب و ۳ الف و ب دیده می شود خواهیم داشت.

یا اگر اعداد مزبور را به قول اهل احکام نجوم تثلیث کنیم شکل ۴ به دست خواهد آمد.

(شکل ۴)

رابطه میان نقاط اصلی سال انقلاب تابستانی و زمستانی و اعتدال بهاری و پاییزی از یک سو با دو ماه دیگر هر فصل در شکل ۵ نشان داده شده است.

احتمال اینکه این گونه روابط تصادفی باشد نزدیک به صفر است ناچار باید پذیرفت که اعداد مزبور با اسامی ماههای مربوطه از روی قصد و تعمد انتخاب شده اند در چنین صورتی با این پرسش روبرو می شویم که قصد و تعمد مورد بحث چه بوده است؟



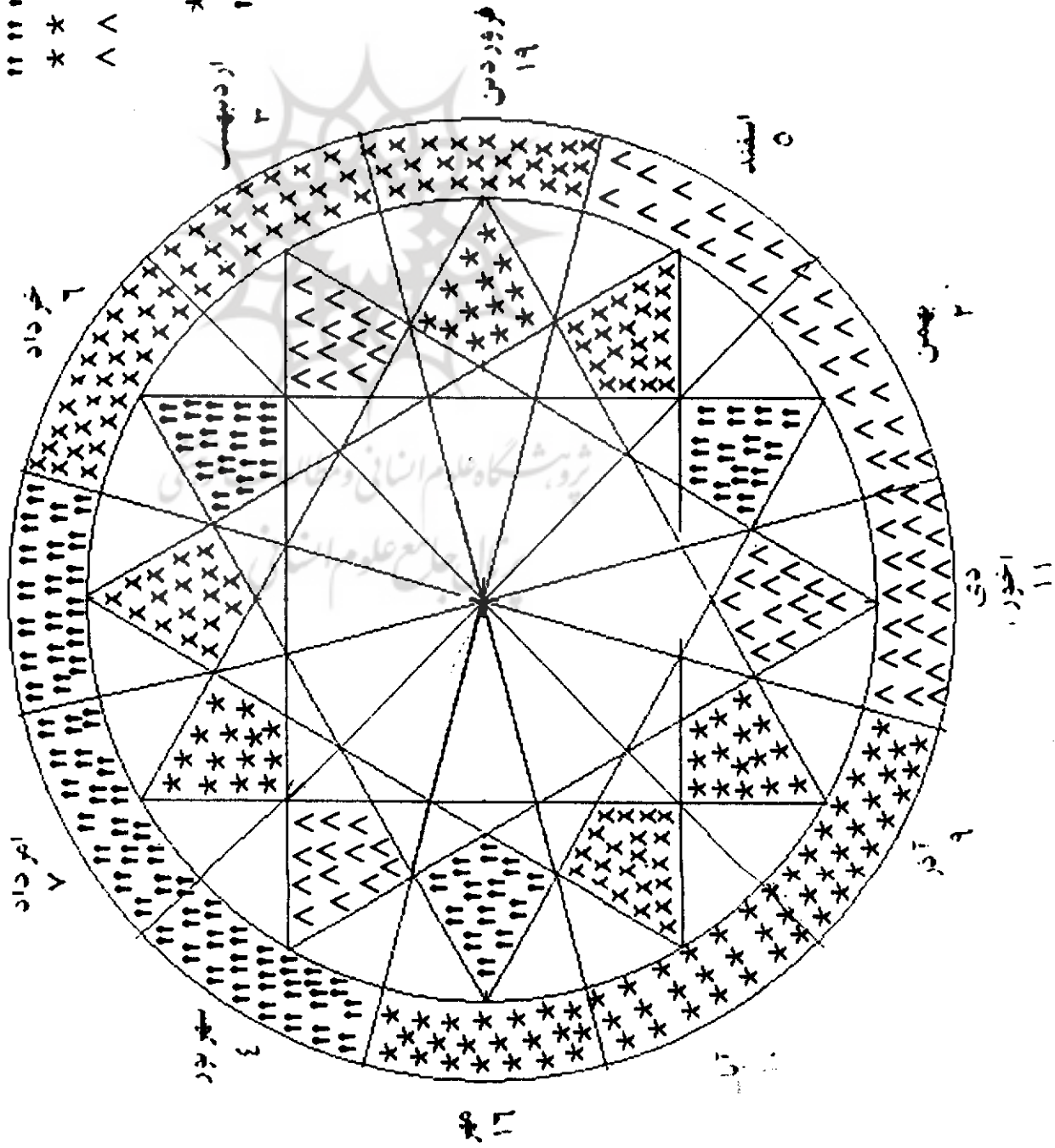
۵۹ =

● شکل (۲)

با اگر اعداد مزبور را به قول اهل احکام نجوم تثلث کنیم شکل ۴ به دست خواهد آمد.

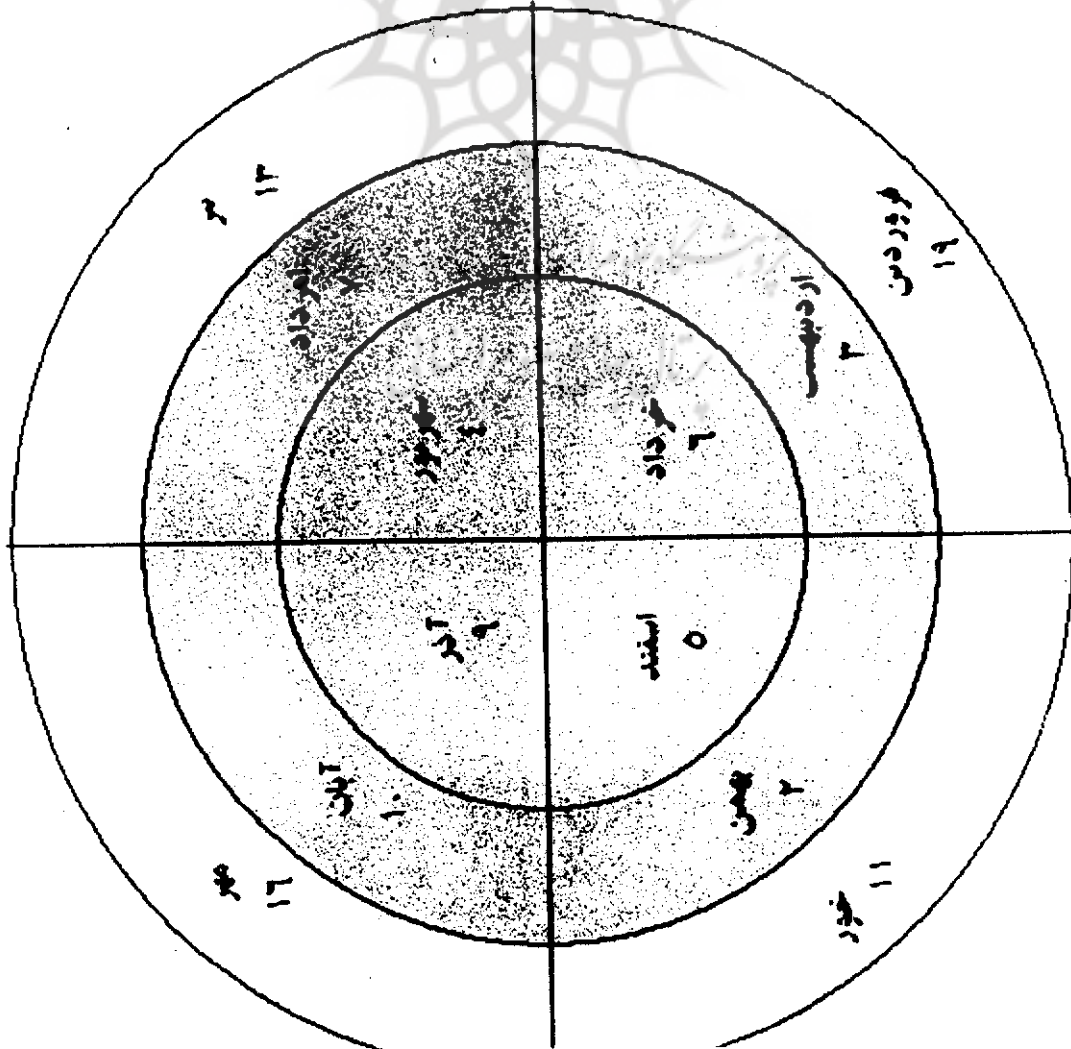
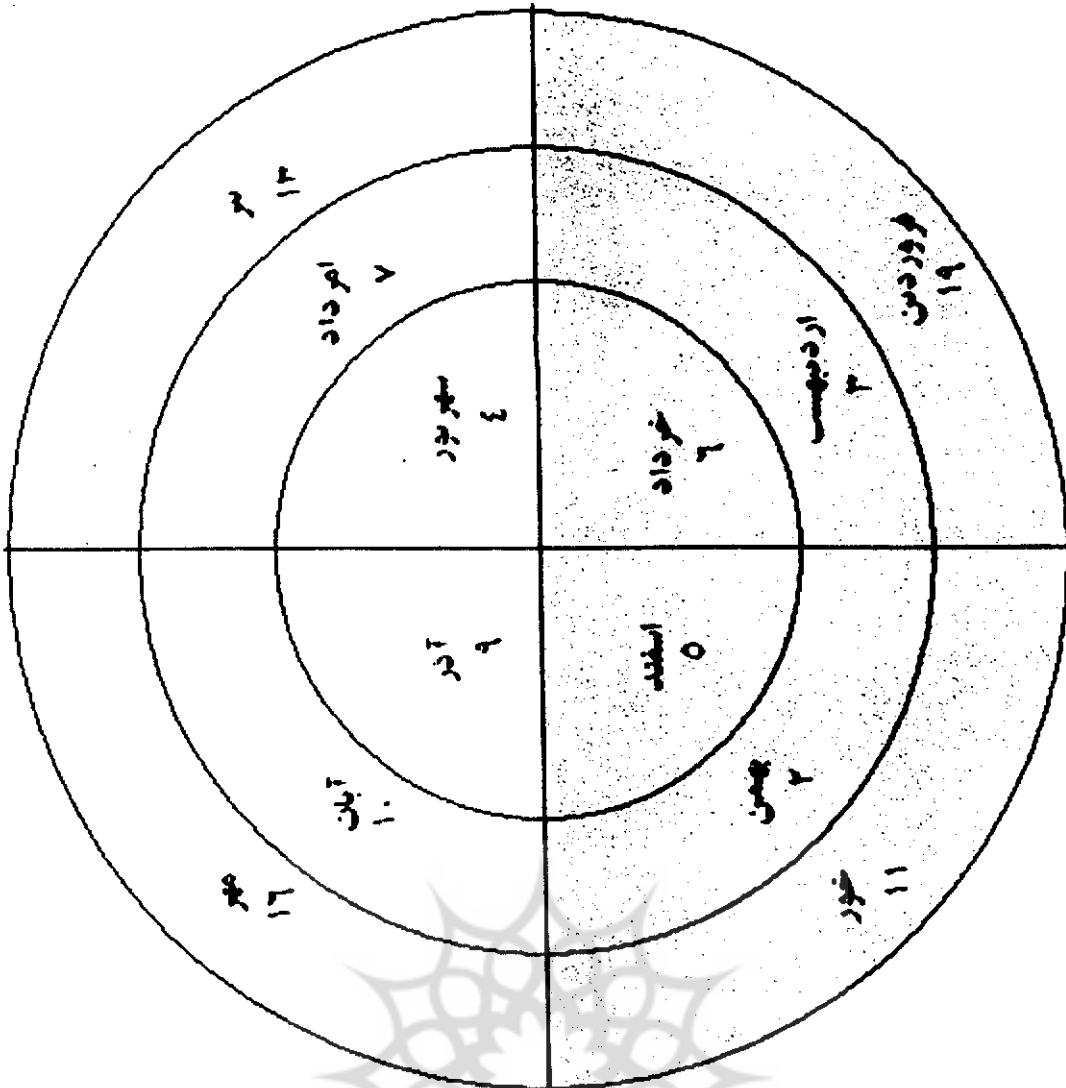
بهار = فروردین - اردیبهست - خرداد =  $۲۸=۶+۳+۱۹$   
 تابستان = تیر - امرداد - مهر =  $۲۴=۴+۷+۱۳$   
 پاییز = آبان - آذر =  $۳۵=۹+۱۰+۱۶$   
 زمستان = خنجر - بهمن - اسفند =  $۱۸=۵+۲+۱۱$

صلب آبی = فروردین + امرداد + آذر =  $۳۵$   
 صلب هذایی = خرداد + مهر + بهمن =  $۳۴$   
 صلب خاکی = اردیبهست + مهر + خنجر =  $۱۸$   
 صلب آبی = تیر + آبان + اسفند =  $۳۸$



● شکل ۴





۱۳ =



فروردین + مهر = ۳۵ = مابز  
 سر + خنجر = ۲۴ = بابسان  
 اردیبهشت + خرداد + آبان = ۲۸ = بهار  
 امرداد + سهریز + بهمن + اسفند = ۱۸ = زمسان

